



انجمن علمی حقوق جزای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

Volume 3, Issue 3, 2025

Investigating the Forgery of Official Documents by Notaries in Iranian and French Law

Ali Khazaei¹, Mohammad Khalil Salehi*², Ruhollah Sepehri¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Nar.C., Islamic Azad University, Naragh, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Qom University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 111-124

Corresponding Author's Info

ORCID: 0009-0005-7333-3636

TELL: +980000000000

Email: m.salehi@qom.ac.ir

Article history:

Received: 27 Feb 2025

Revised: 08 May 2025

Accepted: 20 Jun 2025

Published online: 23 Sep 2025

Keywords:

Forgery, Material Forgery, Spiritual Forgery, Official Documents, Notary.

ABSTRACT

Forgery of official documents by notaries and notaries is an important issue that has a destructive effect on public order, security and trust. This has made it necessary to examine it in a comparative manner. The purpose of this article is to examine the fundamental question In Iranian and French law, under what circumstances is forgery of official documents considered a crime and what punishment is prescribed for it? This article is descriptive and analytical and uses a library method to examine the question in question. The findings indicate that in Iranian law, two types of material forgery and spiritual forgery are foreseen. Spiritual forgery is committed simultaneously and simultaneously during the preparation of a document or writing, while material forgery is committed after the in spiritual forgery appears in the form of changing and distorting the meaning and concept of the content of the document or writing. In French law, like in Iranian law, two types of material and spiritual forgery are accepted, with the difference that in French law, general malice is sufficient to establish the spiritual element, and there is no need to prove specific malice, that is, the intention to harm another. Unlike Iranian law, which has cited examples, the French legislator has criminalized forgery by providing a comprehensive definition that prevents it from being committed by any means and method. In French law, the heart of the truth is that the material element of spiritual forgery of documents is covered by this title in any way it is committed.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Khazaei, A; Salehi, MKH & Sepehri, R (2025). "Investigating the Forgery of Official Documents by Notaries in Iranian and French Law". *Journal of International Criminal Law*, 3(3): 111-124.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

بررسی جعل اسناد رسمی از سوی سردفتر اسناد رسمی در حقوق ایران و فرانسه

علی خزائی^۱، محمدخلیل صالحی^{۲*}، روح‌اله سپهری^۱

۱. گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

چکیده

جعل اسناد رسمی از سوی دفاتر و سردفتر اسناد رسمی از موضوعات مهمی است که آثار مخربی بر نظم و امنیت و اعتماد عمومی دارد. همین امر بررسی آن را به صورت تطبیقی ضروری ساخته است. هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال اساسی است که در حقوق ایران و فرانسه، در چه شرایطی جعل اسناد رسمی جرم‌انگاری و چه مجازاتی برای آن تعیین شده است؟ این مقاله توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی سؤال مورد اشاره پرداخته است. یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که در حقوق ایران، دو نوع جعل مادی و جعل معنوی پیش‌بینی شده است. ارتکاب جعل معنوی مقارن و هم‌زمان و در حین تنظیم نوشته یا سند صورت می‌پذیرد، در صورتی که جعل مادی پس از صدور سند یا نوشته صورت می‌گیرد. قلب حقیقت در جعل معنوی به صورت تغییر و تحریف معنا و مفهوم مضمون سند و نوشته ظاهر می‌شود. در حقوق فرانسه نیز مانند حقوق ایران دو نوع جعل مادی و معنوی پذیرفته شده است، با این تفاوت که در حقوق فرانسه برای احراز رکن معنوی سوءنیت عام کافی می‌باشد و نیازی به اثبات سوءنیت خاص، یعنی قصد ضرررساندن به دیگری وجود ندارد. قانون‌گذار فرانسه برخلاف حقوق ایران که به ذکر مصادیق پرداخته با ذکر تعریفی جامع و مانع از جعل، آن را با هر وسیله و راهی که صورت گیرد، جرم‌انگاری کرده است. در حقوق فرانسه قلب حقیقت که رکن مادی جعل معنوی اسناد می‌باشد، به هر راهی که صورت بگیرد، تحت شمول این عنوان قرار می‌گیرد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۱۱-۱۲۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۳۶۳۶-۷۳۳۳-۵۰۰۰۵-۰۰۰۹

تلفن: +۹۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ایمیل: m.salehi@qom.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۹

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۳۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

جعل، جعل مادی، جعل معنوی، اسناد

رسمی، سردفتر.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

را که سند رسمی به اسم او تنظیم گردیده است را مالک می‌شناسد. در مورد بعضی از اموال منقول، به دلیل اثبات مالکیت در دعوی و برای انجام بعضی از امور اداری، تنظیم سند رسمی الزامی می‌باشد. در حقوق ایران، قانون‌گذار با الهام از نظام حقوقی رومی ژرمنی و اسلامی و با اقتباس از حقوق کشورهای چون فرانسه، جعل در اسناد و نوشته‌ها را مورد توجه قرار داده است و در همین حال نقش دفاتر اسناد رسمی در این خصوص مهم و تأثیرگذار است در این مقاله تلاش شده جعل اسناد رسمی از سوی سردفتر اسناد رسمی در حقوق ایران و فرانسه بررسی شود.

۱- سردفتر اسناد رسمی در نظام حقوقی ایران و فرانسه

در این قسمت به بررسی جایگاه سردفتر اسناد رسمی در حقوق ایران و فرانسه پرداخته می‌شود.

۱-۱- سردفتر اسناد رسمی در نظام حقوقی ایران

سردفتر اسناد رسمی، شخصی حقیقی و منتخب است که از سوی قوه قضاییه مجوز تأسیس و اداره یک دفتر اسناد رسمی را دریافت کرده و وظیفه دارد تنظیم اسناد رسمی را با رعایت ضوابط قانونی و براساس درخواست متقاضیان انجام دهد. او به عنوان مسؤو اصلی دفترخانه، از جایگاهی حقوقی برخوردار است که کلیه فعالیت‌های دفتر تحت نظر و امضای وی رسمیت پیدا می‌کند. مسؤولیت‌های سردفتر فراتر از امور دفتری است و شامل بررسی هویت و اهلیت طرفین، اطمینان از صحت مفاد اسناد، تطابق محتوای سند با قوانین جاری و جلوگیری از تنظیم اسناد خلاف مقررات می‌شود (آدابی، ۱۴۰۲: ۱۹۷).

«برابر ماده ۱ قانون دفاتر اسناد رسمی: «دفترخانه دارای شخصیت حقوقی بوده و جزء اشخاص حقوقی عمومی تلقی می‌شود»، البته شخصیت حقوقی دفترخانه، شخصیت مستقلی نیست و دفترخانه از استقلال حقوقی برخوردار نیست، بلکه دفترخانه جزء نهادهای وابسته به قوه قضاییه تلقی می‌شود و مشروعیت خود را از نهاد متبوع خود تحصیل می‌نماید. دفاتر اسناد رسمی از آنجا که امروزه توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تشکیل می‌شوند و سازمان مزبور به‌عنوان نماینده قوه قضاییه بر امور دفاتر اسناد رسمی نظارت قانونی اعمال می‌کند، از نظر سازمانی از طریق سازمان مزبور به قوه قضاییه

بدون تردید جرم جعل از جرایم پراهمیت می‌باشد و با پیشرفت علم و فناوری و به‌تبع آن با گذشت زمان جاعلین نیز روزبه‌روز حرفه‌ای‌تر شده و با اندکی تأمل در روند این پیشرفت، اهمیت ویژه صحت اسناد و نوشته‌ها در زندگی و روابط حقوقی افراد به‌وضوح نمایان و هویدا است. روابط بین عموم مردم با یکدیگر و همچنین نوشته‌ها و مکتوبات اداری بین دولت و مردم و دولت با دولت‌های دیگر براساس چندین ابزار و روش صورت می‌گیرد که مهم‌ترین آن‌ها سند و نوشته و مکاتبات است. یکی از جرایم مرتبط با اسناد و دفاتر اسناد رسمی، جعل است. جعل در اسناد و نوشته‌ها تضمین حقوق مالی و غیرمالی افراد را دچار فساد کرده و حقوق اشخاص تضییع شده و با استمرار این روند در نتیجه امنیت و آسایش عمومی نیز دچار اختلال می‌شود. جعل اسناد توسط سردفتر و کارمندان دفتر اسناد رسمی، باعث سلب اعتماد عمومی خواهد شد. اشخاص برای معامله با یکدیگر نیاز به توافق دارند و این توافق می‌تواند به‌صورت شفاهی مطرح شود. قانون مدنی همین ايجاب و قبول و اراده طرفین، برای حصول آثار ناشی از معامله را کافی می‌داند. امروزه افرادی که باهم معامله می‌کنند، ابتدا بین خود نوشته یا سندی را تنظیم می‌کنند و همچنین شروطی را ضمن آن درج می‌کنند تا بتوانند حقوق خود را به‌نحوی که توافق کرده بودند، استیفاء کنند. یکی از این طرق که براساس قانون و عرف انجام می‌دهند، تنظیم سند قولنامه می‌باشد. در مرحله بعد (در بعضی موارد که انتقال موضوع معامله با سند رسمی الزامی است) طرفین مقرر می‌کنند که در زمان و مکان معین، برای انتقال موضوع معامله به‌طرف دیگر، با حضور در دفاتر ثبت، سند رسمی توسط مأمورین تنظیم گردد. به همین خاطر قانون برای اسناد رسمی اعتبار و ارزش خاصی قائل گردیده است و به همین منظور برای این اقدام اشخاصی را در حدود صلاحیتی مشخص، مأمور تنظیم این اسناد می‌کند. از همین‌رو قانون‌گذار اعتبار این اسناد توسط مأمورین خود را محرز می‌داند و در موردی که سند لازم‌الاجرا باشد، منطوق آن را به اجرا می‌گذارد، مگر این‌که مجعول بودن آن را محرز بدانند (براساس مفهوم ماده ۹۹ قانون ثبت). علت اهمیت و تأکید افراد برای تنظیم اسناد رسمی در مورد اموال غیرمنقول به این است که قانون شخصی

تابلیون حرفه سردفتری، حرفه‌ای مدرن هم می‌تواند باشد که قادر به تحول و به‌روزرآوردن خویش بر مبنای نیازهای روز مردمان است که این تحولات از طریق ترتیب و تمهیدات ابزار کار چه در محدوده شخصی و چه در محدوده عمومی رخ می‌دهد» (Yaigre, 2012: 123).

ماده ۱ مصوبه شماره ۲۵۹۰-۴۵ مورخ ۲ نوامبر ۱۹۴۵ در تعریف سردفتر چنین مقرر می‌دارد: «سردفتران مأموران دولتی هستند که برای دریافت همه اسناد و قراردادهایی که متقاضیان خواهان رسمی بودن آن هستند و نیز برای تضمین تاریخ، نگهداری آن اسناد به صورت امانت و صدور نسخه اصلی و تنظیم رونوشت برابر اصل آن‌ها و همچنین دریافت اسناد مجاز دولتی جهت رسمی نمودن تعیین شده‌اند.»

مطابق ماده ۷ مصوب ۹۴۵-۷۱ مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۷۱ «وظایف سردفتران، با وظایف قضات، مأمورین قضایی دولتی و جانشینان آنان، منشی محکمه، وکلا، مأمورین اجرائی، مأمورین امور مالیاتی مستقیم و غیرمستقیم، مأمورین پلیس و مأمور فروش متفاوت است» (Després, 2008: 2283).

در ماده ۱۳۱۷ قانون مدنی فرانسه چنین مقرر شده است: «سند رسمی، سندی است که به وسیله مأموران رسمی که حق تنظیم سند در محل تحریر آن را مطابق تشریفات مقرر دارند، تنظیم شده باشد» و «سران دفاتر اسناد رسمی، مأموران رسمی هستند که تنظیم کلیه اسناد را به عهده دارند که متعاقدان می‌خواهند یا مکلف‌اند بدان اسناد، اعتباری بدهند که اسناد دولتی آن را دارا هستند و به قراردادها و اسنادی که به آن‌ها ارجاع داده می‌شود، رسمیت می‌بخشند» و مطابق ماده ۱۳۱۸ قانون مدنی، «سندی که رسمیت آن به دلیل عدم صلاحیت یا اهلیت مأمور یا به علت نقص شکلی، معتبر نیست، در صورتی که طرفین آن را امضا کرده باشند، دارای اثر نوشته عادی است» (نوری، ۱۳۸۰: ۷۶). باید یادآور شد که سردفتران در فرانسه، تحت حوزه مسؤولیت مقام وزیر دادگستری قرار دارند و انتصاب آن‌ها از طریق صدور ابلاغ انجام می‌شود.

۲- جعل اسناد رسمی از سوی سردفتر اسناد رسمی در حقوق ایران

در قانون ایران تعریفی از جرم جعل نشده است، بلکه احکام راجع به انواع مختلف آن طی بیست ماده از ۵۲۳ الی ۵۴۲ در

و دولت مرتبط می‌شوند، هرچند که در متن قانون، دفاتر اسناد رسمی رأساً جزء نهادهای وابسته به دادگستری احصا شده‌اند. درحقیقت، دفاتر اسناد رسمی را باید جزئی وابسته به ساختار اداری سازمان ثبت دانست، اگرچه به ظاهر، سردفتری اسناد رسمی یا دفتریاری از مشاغل آزاد به‌شمار می‌آید، ولی واقع امر این است که سردفتران و دفتریاران مأمورین رسمی هستند و اسنادی که آن‌ها تنظیم می‌کنند و به ثبت می‌رسانند، اسناد رسمی است (ماده ۱۲۱۷ ق.م.، نتیجه آن که دفاتر برای تسهیل در انجام کارهای ثبتی پیش‌بینی شده‌اند) (حمیتی واقف، ۱۳۹۶: ۳۵). ماده ۲ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۶ در تعریف سردفتر چنین مقرر می‌دارد: «دفتر اسناد رسمی به مدیریت و مسؤولیت یک نفر صاحب دفتر که از این به بعد سردفتر نامیده می‌شود، اداره می‌گردد» و به موجب ماده ۳ همین قانون، «سردفتر به موجب حکم وزیر عدلیه منصوب و وابسته به وزارت عدلیه محسوب می‌شود و اداره کل ثبت اسناد و املاک طبق حکم مزبور برای او پروانه صادر خواهد نمود.» ماده ۲ قانون دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۵۴ در تعریف سردفتر اشعار می‌دارد: «اداره امور دفترخانه اسناد رسمی به عهده شخصی است که با رعایت مقررات این قانون بنا به پیشنهاد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با جلب مشورتی کانون سردفتران و به موجب ابلاغ وزیر دادگستری منصوب و سردفتر نامیده می‌شود.»

۱-۲- سردفتر در نظام حقوقی فرانسه

«در حقوق فرانسه، سردفتر اسناد رسمی، مأموری رسمی است که کار رسمیت‌بخشیدن به اسناد و قراردادهای اشخاص را برعهده دارد و نسبت به این امور دارای مسؤولیت بوده و وظایف خویش را با استقلال و در محدوده حرفه‌ای آزاد به انجام می‌رساند» (عباسی داکانی، ۱۳۹۷: ۲۹). «این دوگانگی در حرفه سردفتر اسناد رسمی، امری اساسی است، زیرا از یک سو به عنوان مأمور رسمی به روابط حقوقی مشتریان خویش رسمیت می‌بخشد و از سوی دیگر به عنوان صاحب حرفه‌ای آزاد با مشتریان خود، روابط مالی دارد، بدین ترتیب حرفه سردفتری، به صورت حرفه‌ای ریشه‌دار و قدیمی جلوه می‌کند که در بررسی روزگاران گذشته، به خوبی می‌توان بیان‌کننده اقدامات آنان باشد، به گونه‌ای که در گذشته بسیار دور، نزد مصریان و بابلیان میرزانویسان بوده‌اند و این اواخر نزد رومیان

فصل پنجم قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ و نیز قوانین گوناگون دیگر آورده شده‌اند. ماده ۵۲۳ اشعار می‌دارد: «جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیررسمی یا خراشیدن یا تراشیدن یا قلم‌بردن یا الحاقی یا محو یا اثبات یا سیاه‌کردن یا تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا به‌کاربردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب.» «این ماده تعریفی از جرم جعل ارائه نکرده، بلکه تنها به‌ذکر مصادیقی از آن بسنده نموده و به‌علاوه با افزودن عبارت و نظایر اینها در بخش انتهایی ماده از ارزش این ماده در تبیین دقیق جعل کاسته است. علاوه بر این ماده ۵۲۳ به‌دلیل عدم مجازات برای جرم جعل نمی‌تواند عنصر قانونی این جرم محسوب شود، بلکه این ماده تنها معنی و مفهوم واژه جعل را در مواد بعدی تا حدی روشن می‌کند. بنابراین باید عنصر قانونی انواع مختلف جعل را در سایر مواد فصل بیستم قانون تعزیرات و قوانین متفرقه جسته و تنها برای تعیین این‌که چه عملی ممکن است جعل محسوب شود، از ماده ۵۲۳ استفاده شود. علاوه بر مقررات عام مندرج در قانون مجازات اسلامی، مقررات خاصی نیز در مواد ۱۰۰ قانون ثبت پیش‌بینی گردیده است و در صورتی‌که سر دفتر عامداً یکی از جرم‌های مندرج در مواد مذکور را مرتکب شود، جاعل در اسناد رسمی محسوب و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد رسمی مقرر است، محکوم خواهد شد» (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ۲۶۳/۱). مطابق مفاد و مدلول مواد قانونی راجع به جعل روش‌های مختلف قلب حقیقت یا به تعبیر دیگر صور گوناگون انجام جعل در سند یا نوشته صرف نظر از مصادیق مختلف آن به دو طریق ممکن است صورت پذیرد: یکی جعل مادی؛ دیگری جعل مفادی یا معنوی که توضیح هر یک به اختصار ذیلاً می‌آید.

۲-۱- جعل مادی دفاتر اسناد رسمی

در جعل مادی مانند ساختن سند یا نوشته و یا مهر و امضا دیگری، مرتکب با استفاده از سند یا نوشته موجود یا به تقلید از آن به طریقی از طرق مثلاً به‌روش عکس‌برداری، سند یا نوشته‌ای می‌سازد و آن را به‌عنوان سند اصیل معرفی می‌نماید یا به‌منظور امضا یا مهمور نمودن نوشته بدون امضا و فاقد مهری که از دیگری در اختیار دارد (جلالیان صالح، ۱۴۰۲: ۸۹) یا خود

مبادرت به ساختن آن به تقلید از خط وی نموده است، اقدام به ساخت امضا یا مهر دیگری می‌نماید. گاهی اوقات نیز ممکن است ساخت امضا یا مهر دیگری فی‌نفسه مد نظر باشد، کما این‌که شق ۱ ماده ۵۲۵ قانون مجازات اسلامی بدین امر صراحت دارد، به‌علاوه زمانی امضا و مهر دیگری توأمأً توسط جاعل ساخته می‌شود و برخی اوقات نیز هریک از آن‌ها مستقلاً ساخته شده یا مورد استفاده واقع می‌شوند. اینک با وصف مراتب مذکور جعل هریک از سه موضوع جداگانه مورد توضیح قرار می‌گیرد، اما قبل از بیان توضیح متذکر می‌شود که تقریباً در کلیه کتب تألیف‌شده پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این زمینه تاکنون، آن‌ها که معترض اقسام جعل شده‌اند ساختن سند و نوشته را من‌البدو الی الختم و بدون استفاده یا تقلید از سند دیگری با وجود سابقه‌ای از آن، در زمره اقسام جعل مادی دانسته‌اند (گلدوزیان، ۱۳۹۸: ۵۴۱). درحالی‌که با عنایت به تعریف به‌عمل آمده از جعل مادی و بیان تعریفی که از جعل معنوی «مفادی» متعاقباً خواهیم داشت، همان‌گونه که اندیشمندانی از بزرگان حقوقی متقدم کشورمان چون مرحوم دکتر عبدالحسین علی‌آبادی نیز تصریح نموده‌اند (هیأت عمومی دیوانعالی کشور، ۱۳۸۴: ۲۲۴/۳-۲۲۳). این قسم اخیر از جعل فی‌الواقع از اقسام جعل معنوی می‌باشد. حقوق‌دانان ایران معمولاً جعل را به مادی و معنوی تقسیم‌بندی می‌کنند. به اعتقاد برخی: «جعل مادی عبارتست از قلب حقیقت به‌وسیله دخل و تصرف در سندی مانند خراشیدن، تراشیدن، استعمال مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن یا جعل امضا کسی» (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۳: ۱۵۵۴/۲)، عده‌ای از حقوق‌دانان کیفری معتقدند: «جعل مادی آن است که در ظاهر و صورت نوشته یا سند و ... خدشه وارد می‌شود» (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۳: ۲۶۴/۱). در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند «جعل، مادی است وقتی که قلب حقیقت به‌صورت فیزیکی انجام شود و در نوشته از خود آثار و علائم حسی و ملموس باقی گذارد و غالباً به‌وسیله کارشناس قابل تشخیص است» (پیمانی، ۱۳۹۲: ۱۱۴). به اعتقاد برخی: «جعل مادی عبارتست از تحریف حقیقت با عملی مادی ضمن باقی‌ماندن اثر خارجی مادی جعل در نوشته یا سند و غیر آن، پس جعل مادی، یعنی تحریک و تقلب در نوشته به‌صورت مادی و دارای آثار مجسم و عینی

آن در نظر گرفته شده است. به موجب ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی، هرگاه مأمور ثبت اسناد عامداً مطالب منتسب به دیگری را به طور تحریف شده‌ای درج دهد، مشمول جرم جعل معنوی می‌شود. به طور مثال مأمور تنظیم سند، میزان مهریه در سند رسمی ازدواج درج و به طور تحریف شده‌ای آن را کم یا زیاد وارد می‌کند. مجازات مقرر برای جرم جعل معنوی که غالباً توسط مأمورین رسمی قابل تحقق است، مجازات ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

۲-۲-۱- مصادیق جرایم معنوی سردفتر

از میان شقوق هفت‌گانه مندرج در ماده ۱۰۰ قانون ثبت تنها شق پنجم ماده مزبور از مصادیق جعل مادی به‌شمار می‌رود و شقوق شش‌گانه دیگر از مصادیق جعل معنوی در اسناد رسمی محسوب می‌گردند که این شقوق عبارتند از: اول: ثبت کردن سند مجعوله یا مزوره؛ دوم: ثبت کردن سند بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضور داشته باشند؛ سوم: ثبت کردن سند به اسم کسانی که آن معامله را نکرده‌اند؛ چهارم: تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا مؤخر در دفتر ثبت نماید؛ پنجم: ثبت کردن اسناد انتقالی با علم به عدم مالکیت انتقال‌دهنده؛ ششم: ثبت کردن سندی که به‌طور وضوح سندیت نداشته یا از اعتبار افتاده است. اصولاً واژه ثبت در لغت به معنای «قراردادن، برقرار و پابرجا کردن، یادداشت کردن، نوشتن و مطالبی را در دفتر نوشتن» می‌باشد. برای تحقق جرم موضوع این بند از ماده ۱۰۰ قانون ثبت، عمل ثبت کردن حتماً باید بر روی سند صورت گیرد و سندی نیز که در اینجا مد نظر قانون‌گذار است، سند رسمی است نه عادی، چراکه سندی که توسط مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک و صاحبان دفاتر اسناد رسمی تنظیم و به ثبت می‌رسد، مطابق مقررات قانونی، سند رسمی می‌باشد. بنابراین ثبت کردن نوشته‌جات و انجام عملیات مجرمانه همچون جعل بر روی آن‌ها از شمول مقررات ماده ۱۰۰ قانون ثبت خارج است، چراکه سند با نوشته متفاوت است و بین آن‌ها رابطه عموم و خصوص برقرار است، بدین صورت که هر سندی نوشته است، ولی هر نوشته‌ای سند نمی‌باشد. باتوجه به ماده ۱۰۰ قانون ثبت درمی‌یابیم که قانون‌گذار عمل ثبت کردن سند مجعوله یا مزوره را توسط مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک و یا صاحبان دفاتر

باشد و لازمه این تغییر آن است که اولاً نوشته و سند قبلاً باشد؛ ثانیاً در آن سند، افعالی همچون، خراشیدن، تراشیدن حذف کلمات، اضافه یا الحاق یا محو یا اثبات صورت گرفته باشد» (گلدوزیان، ۱۴۰۰: ۵۴۰). برخی از مهم‌ترین مصادیق جعل مادی عبارتند از: «۱- خراشیدن، تراشیدن، محو کردن یا سیاه کردن قسمتی از نوشته و قلم‌بردن در آن؛ ۲- ساختن نوشته یا سند برخلاف حقیقت، ساختن مهر و امضا، به‌کاربردن مهر دیگری بدون اجازه الصاق متقلبانه نوشته‌ای به نوشته دیگر؛ ۳- خراشیدن، تراشیدن، محو یا سیاه کردن قسمتی از نوشته: خراشیدن شامل از بین بردن یک جزء از کلمه است در سند یا نوشته، مثلاً ۳۰۰ میلیون ریال را به ۲۰۰ میلیون ریال تبدیل کند و تراشیدن شامل از بین بردن تمام کلمه است، مثلاً از بین بردن نام یکی از شرکا. محو عبارت است از پاک‌نمودن و از بین بردن جمله، کلمه یا حرف یا عدد در یک نوشته، به‌گونه‌ای که نتوان به آن پی برد؛ ۴- قلم‌بردن، الحاق و اضافه کردن عبارتی در سند: اضافه کردن رقم یا حروف یا کلمه‌ای را در متن یا حاشیه سند یا نوشته‌ای را الحاق گویند که این الحاق ممکن است تغییر رقم یا حروف باشد یا الحاق در محل تراشیدگی و خراشیدگی باشد یا الحاق کلمات یا سطر در بین سطر یا در خاتمه؛ ۵- الصاق متقلبانه سندی به سند دیگر: مونتاژ اسناد و نوشته‌ها به همدیگر به‌طور متقلبانه را گویند؛ ۶- مقدم یا مؤخرنمودن تاریخ سند: نوع دیگر از انواع جعل مادی مقدم یا مؤخرنمودن تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی و واقعی آن است؛ ۷- ساختن نوشته یا سند: مقصود از ساختن این است که هیچ‌گونه سابقه قبلی از نوشته یا سند نباشد و ترکیب آن از ابتدا تا انتها که شامل خط و امضا هر دو می‌شود؛ ۸- ساختن مهر و امضا: در اینجا جاعل به سند کار ندارد، بلکه امضا یا مهر شخص صاحب سند را جعل می‌کند.»

۲-۲-۲- جعل معنوی دفاتر اسناد رسمی

جرم جعل معنوی توسط مأموران و صاحبان دفاتر اسناد و املاک، به این معناست که این افراد در تنظیم اسناد رسمی یا عادی، عمداً مطالبی خلاف واقع را درج می‌کنند یا حقیقتی را تحریف می‌کنند. به عبارت دیگر، در ظاهر سند تغییری ایجاد نمی‌کنند، اما در محتوای آن دست می‌برند. این عمل مطابق قانون مجازات اسلامی جرم است و مجازات‌های مختلفی برای

مرتکب شود، جاعل در اسناد رسمی محسوب و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد رسمی مقرر است، محکوم خواهد شد: ... خامساً: تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم و یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را بکشد یا به وسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیندازد...» ملاحظه می‌شود خصوصاً در بند پنجم قانون فوق‌موردی که ذکر شده، معدوم کردن یا کشیدن اوراق دفاتر است که ظاهراً از موارد تخریب به‌نظر می‌رسد و حال آن‌که قانون‌گذار مرتکب را در حکم جاعل سند قرار داده است.

برای تحقق جرم موضوع بند اول ماده ۱۰۰ قانون ثبت درخصوص ثبت‌کردن سند مجعوله یا مزوره، احراز سه شرط ضروری است: اول این‌که عمل ثبت‌کردن حتماً باید بر روی سند و آن هم سند رسمی صورت گیرد؛ دوم این‌که سندی که اقدام به ثبت آن می‌شود، باید سند مجعول یا مزور باشد نه اصیل. بنابراین درصورت وجود این دو شرط چنانچه مستخدم و اجزای ثبت اسناد و املاک یا صاحبان دفاتر اسناد رسمی عامداً اقدام به ثبت چنین سندی بنمایند، مطابق ماده ۱۰۰ قانون ثبت جاعل در اسناد رسمی محسوب می‌گردند؛ سوم ثبت کردن سند بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضور داشته باشند.

۲-۲-۲- مجازات جعل برای سردفتر

جعل سند و استفاده از سند مجعول دو جرم جداگانه محسوب می‌شوند، بنابراین اگر فردی سندی را جعل کرده و از آن استفاده کند، مرتکب دو جرم شده که به‌موجب قانون برای هر کدام آن‌ها مجازات مستقلی تعیین شده است. در مواد ۵۲۴ تا ۵۴۲ قانون تعزیرات مجازات اسلامی، مجازات‌های حبس و جزای نقدی یا هردو را برای مرتکب پیش‌بینی کرده است و کسی که از جعلی‌بودن مدارک مطلع بوده و از آن مدارک استفاده کند، طبق ماده ۵۳۰ قانون تعزیرات به ۲ ماه تا ۲ سال حبس محکوم خواهد شد (سلیمان‌پور، ۱۳۹۶: ۶۷). طبق ماده ۵۲۵ قانون تعزیرات: «هرکس یکی از اشیای ذیل را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال کرده یا داخل کشور کند، علاوه‌بر جبران خسارت وارده، به حبس از یک تا ۱۰ سال محکوم خواهد شد: ۱- احکام یا امضا یا مهر یا دست خط معاون اول رئیس‌جمهور یا وزرا یا مهر یا امضای اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان یا قضات یا یکی از رؤسا یا

اسناد رسمی، از روی عمد، جرم جعل و تزویر در اسناد رسمی دانسته است، البته در این مورد بر قانون‌گذار از لحاظ نگارش و تدوین قانون اشکال وارد است، چراکه جرم ارتكابی اخیر، جرم جعل و تزویر نمی‌باشد، بلکه در حکم جعل و تزویر است و قانون‌گذار می‌بایست مرتکب چنین عملی را در حکم جاعل در اسناد رسمی به‌شمار می‌آورد، درحالی‌که می‌بینیم مرتکب را جاعل در اسناد رسمی شناخته است که بین این دو تفاوت بارز و آشکاری وجود دارد. جرم موضوع ماده ۱۰۰ اخیر جعل نبوده، بلکه در حکم جعل می‌باشد، چراکه جعل مادی، آن است که در ظاهر و صورت نوشته یا سند و ... خدش‌های وارد می‌شود (مثل موارد مذکور در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی) و جعل معنوی یا مفادی نیز آن است که بدون ایراد هیچ‌گونه خدش‌های به ظاهر سند یا نوشته و ... حقیقت در آن‌ها تحریف شده و مطالب منتسب به دیگران به‌گونه دیگری در آن‌ها منعکس می‌شود. حال با توجه به تعاریف مذکور درمی‌یابیم که عمل ثبت کردن سند مجعوله یا مزوره در هیچ‌یک از تعاریف اخیر درخصوص جعل مادی و جعل معنوی نمی‌گنجد، چراکه به عنوان مثال سردفتری که اقدام به ثبت سند مجعولی می‌نماید، نه در سند یا نوشته موجود خدش‌های وارد می‌کند و تغییری در مطالب آن ایجاد می‌نماید و نه این‌که حقیقت موجود در سند را تحریف می‌کند، بلکه حقیقت تحریف‌شده موجود در یک سند را که به‌واسطه آن تحریف از اعتبار و اثر قانونی افتاده است و دیگر اثری بر آن مترتب نیست و ایجاد حقیقی نمی‌کند، با ثبت کردن چنین سندی خواسته به آن اثر و اعتبار قانونی بیخشد که چون این امر به نوعی خود تحریف محسوب می‌گردد، می‌توان عمل مزبور را در حکم جعل دانست (میرکمالی، ۱۳۹۳: ۴).

در قانون مجازات ایران برای مرتکبان بعضی جرایم، مجازات جاعل تعیین شده است، درحالی‌که از لحاظ تحلیل حقوقی، جرایم مزبوره غالباً واجد عناصر لازمه جعل سند نبوده، بلکه فقط قانون تحت عنوان جعل برای آن‌ها حکم مجازات نموده و به‌عبارت دیگر آن‌ها را در حکم جعل قرار داده است، ازجمله آن‌ها، جرایم مذکور در ماده ۱۰۰ قانون دفاتر اسناد رسمی است که مقرر می‌دارد: «هریک از مستخدمین و اجزای ثبت اسناد و املاک و صاحبان دفاتر اسناد رسمی عامداً یکی از جرم‌های ذیل را

مجموعه یا مزوره را ثبت کند؛ ثانیاً: سندی را بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضور داشته باشند، ثبت نماید؛ ثالثاً: سندی را به اسم کسانی که آن را معامله نکرده‌اند، ثبت کند؛ رابعاً: تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا مؤخر در دفتر ثبت کند؛ خامساً: تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را بکشد یا به وسیله متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیندازد؛ سادساً: اسناد انتقالی را با علم به عدم مالکیت انتقال دهنده ثبت کند؛ سابعماً: سندی را که به طور وضوح سندیت نداشته و یا از سندیت افتاده، ثبت کند» (گلدوزیان، ۱۳۹۹: ۲۲). در کل مجازات جعل اسناد برای سردفتر بسته به نوع سند و این که آیا جعل در حین انجام وظیفه صورت گرفته است یا خیر، متفاوت است، در صورتی که سردفتر اسناد رسمی مرتکب جعل شود، مجازات حبس و جزای نقدی در نظر گرفته می‌شود. همچنین اگر جعل در حین انجام وظیفه باشد، مجازات سنگین‌تری اعمال خواهد شد.

۳- جعل اسناد رسمی از سوی سردفتر اسناد رسمی در حقوق فرانسه

مسئولیت کیفری سردفتر در فرانسه، وقتی تحقق پیدا می‌کند که سردفتر مرتکب جرایمی شده باشد که به قید حصر در نظام نامه سردفتری ذکر گردیده و چون اثر جرایم ضرری است که به جامعه وارد می‌آید (نوربها، ۱۳۹۶: ۲۵۹). «پس سردفتر مسؤول اعمال خود در مقابل جامعه است و مانند تمام شهروندان فرانسوی تابع قضاوت کیفری سرزمین خود در خصوص جرایم و شبه‌جرایم و تخلفات ارتكابی می‌باشد. باوجود این قانون جزا مواد متعددی را به جرایم ارتكابی توسط سردفتر در رابطه با اعمال و وظایف اختصاص داده و در شمار متعددی از آن موارد، مجازات‌های مربوطه را تشدید نموده است» (شامبیاتی، ۱۳۹۸: ۱۶۳/۲-۱۶۲).

۳-۱- جعل مادی و جعل معنوی

در حقوق فرانسه، مطابق ماده ۱-۴۴۱ قانون اخیر مجازات این کشور، هم جعل مادی و هم جعل معنوی از سوی سردفتر پذیرفته شده است. براساس ماده مورد اشاره، «چنانچه جعل در محتوا و مضمون سند صورت گیرد یعنی در جوهر و ذات یا کیفیت و موقعیت سند، عنوان جعل معنوی بر آن صادق می‌باشد و اگر همراه با علائم ظاهری و فیزیکی باشد، جعل

کارمندان و مسؤولان دولتی از حیث مقام رسمی آنان؛ ۲- مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکت‌ها یا مؤسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی؛ ۳- احکام دادگاه‌ها یا اسناد یا حواله‌های صادره از خزانه دولتی؛ ۴- منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره به کار می‌رود؛ ۵- اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی.»

«ممکن است به‌علت جعل سردفتر از خدمت به انفصال دائم یا موقت برسد و یا حکم به تعطیلی دفترخانه صادر شود یا توبیخ، تعلیق موقت شود. یکی از رایج‌ترین کیفرهایی که در حقوق ثبت دیده می‌شود، کیفر انفصال است. کیفر انفصال در بعضی از مباحث حقوق ثبت به‌عنوان یک کیفر اصلی و مستقل بیان شده است. انفصال از حیث نوع مجازات در قوانین ثبتی گاهی به‌صورت انفصال کیفری به‌عنوان یک مجازات تبیین گردیده است و گاهی در قوانین ثبتی به‌عنوان انفصال انتظامی بیان شده است. کیفر شلاق و لغو پروانه، از جمله کیفرهای تکمیلی است که هم در حقوق کیفری دیده می‌شود و هم در حقوق ثبت به‌عنوان یک کیفر انتظامی کاربرد دارد و به حمایت از قوانین ثبتی می‌پردازد. کیفر لغو پروانه در قوانین ثبتی گاهی با عنوان سلب صلاحیت بیان شده است. سلب صلاحیت در حقوق ثبت معادل لغو پروانه در حقوق جزاست» (توسلی، ۱۴۰۲: ۱۴۷).

باتوجه به قسمت آخر ماده ۱۰۰ قانون ثبت مجازات مأمور ثبت که مرتکب جعل گردیده است را در حکم جاعل اسناد رسمی می‌داند و چون این ماده به مصادیق جرم مادی توسط مأمور رسمی ثبت پرداخته، در نتیجه مجازات جعل مربوطه در ماده ۵۳۲ قانون مجازات اسلامی تعریف گردیده است. مجازات جرم مذکور از نوع درجه ۵ می‌باشد (جعفری لنگرودی، ۱۴۰۳: ۶۱۵/۲).

مسئولیت کیفری سردفتران، مسئولیت‌هایی است که به‌موجب قانون مجازات برای سردفتران پدید می‌آید. به‌عبارت دیگر از این حیث تفاوت میان او و سایر افراد جامعه وجود ندارد. طبق ماده ۱۰۰ ق.ت «هرگاه سردفتر یا دفتریار عمداً یکی از جرم‌های ذیل را و به مجازاتی که برای جعل و تزویر اسناد مرتکب شود، جاعل در اسناد رسمی رسمی مقرر است، محکوم می‌شود: اولاً: اسناد

های عملی ارتکاب جعل را در ماد ۵۲۳ تا ۵۴۲ ذکر نموده است. جعل ارتكابی در صورتی قابل مجازات می‌باشد که در محدوده و دایره این مواد قرار گیرد و به یکی از طرق مذکور در این مواد صورت گیرد و در غیر این صورت قابل مجازات نیست.

«یکی از مسائل مهمی که باید در اینجا مطرح گردد، این است که قلب حقیقت باید بر روی قسمت اساسی سند یا عمل حقوقی که سند برای آن تنظیم شده است، صورت گیرد تا شمول عنوان جعل قرار گیرد، مثلاً تقلب در تاریخ گزارش پلیس یک جعل می‌باشد» (Gattegno, 1995: 344). «نوشته اگر نتواند به یک حق منجر شود یا آن را اثبات نماید. بنابراین نمی‌تواند به نتایج حقوقی منجر گردد و جعل نیست، اما می‌تواند مشمول انهدام و خرابی سند قرار گیرد، پس باید در مرحله اول این نوشته قابلیت استناد داشته باشد یا به عبارتی سند باشد و بتواند حقی را اثبات نماید یا منجر به حقی گردد و در مرحله بعد باید قلب حقیقت در نقاط اصلی که نوشته و سند برای آن تنظیم شده است یا آن را اثبات می‌نماید، صورت گیرد، اگر در عبارات و اصطلاحاتی که هیچ تأثیری در سند ندارند و سند بدون آن ها هم می‌تواند موضوع مورد نظر را اثبات نماید، تقلب صورت گیرد و تغییر پیدا کنند، موضوع مشمول عنوان جعل نمی‌باشد، زیرا علی‌رغم این تقلب باز سند اعتبار خود را دارد و حق مورد نظر را اثبات می‌نماید و به هدف مورد نظر منجر می‌گردد» (Veron, 2017: 298).

در حقوق فرانسه نیز همچون حقوق ایران جرم جعل معنوی یک جرم عمدی می‌باشد، پس نیاز به سوءنیت و رکن معنوی دارد تا بتوان عنوان جعل معنوی را بر آن مترتب کرد. در ماده ۴۴۱-۱ قانون جزای فرانسه که اجرای آن از سال ۱۹۹۴ شروع شده است، به این موضوع اشاره شده است.^۱ «مقنن با به کاربردن کلمه^۲ که به معنای متقلبانه می‌باشد، به این موضوع اشاره نموده است که هر قلب حقیقتی جعل نیست، مگر این که به صورت متقلبانه و توأم با سوءنیت و تقلب باشد. در تعریف جعل گفته است که جعل شامل هر قلب متقلبانه حقیقت می‌باشد. جرم جعل معنوی یک جرم عمدی می‌باشد، پس قلب

مادی می‌باشد. در جعل، معنوی شخص قرارداد را برخلاف آن چه دیکته شده یا خواسته شده است، تنظیم می‌نماید که محتوای سند را تغییر می‌دهد که آن چه مورد نظر شخص می‌باشد، حاصل نشده است» (Gattegno, 1995: 342).

لازم به ذکر است که «در قانون جزای قدیم فرانسه در مواد ۱۴۵ تا ۱۴۷ این قانون طرق عملی ارتکاب بزه جعل را ذکر کرده بود» (Vouin, 1999: 343). «در قانون قدیم فرانسه، همچون قانون مجازات اسلامی که راه‌ها و طرق عملی ارتکاب بزه جعل معنوی را ذکر نموده است، روش‌های ارتکاب این جرم را ذکر کرده بود و تنها در محدوده آن روش‌ها و اگر عمل آن شخص در زیرمجموعه آن مواد قرار می‌گرفت، آن شخص را مجازات می‌کردند. افراد جاعل نیز با شگردها و حیل متفاوت از زیر بار مجازات فرار می‌کردند و قاضی هم تنها در محدوده آن مواد حق مجازات کردن را داشت. براساس راه‌هایی که در آن مواد ذکر شده بود، جعل را به‌طور سنتی به دو دسته جعل مادی و جعل معنوی تقسیم می‌نمودند» (Larguier, 2024: 259).

«در قانون جزای اخیر که تصویب و از سال ۱۹۹۴ به اجرا گذاشته شد، قانون‌گذار در ماده ۱-۴۴۱ به صورت محتاطانه به کاربردن عبارت «Par quel que moyen que ce soit» هر نوع قلب حقیقتی را مجازات می‌کند، این فرمول نقصی را که در قانون قبل بود و راه‌های جعل معنوی را به صورت موردی ذکر کرده بود که باعث فرار بعضی از مجرمان از مجازات می‌شد، برطرف کرده است و این فرمول هر راه جدیدی را هم شامل می‌شود و جعل معنوی به هر صورتی که ارتکاب، یابد قابل مجازات می‌باشد» (Veron, 2017: 297)، پس باتوجه به قانون اخیر جعل معنوی به هر صورتی و راهی که ارتکاب یابد، قابل مجازات می‌باشد و راه فرار از قانون مسدود می‌باشد. جعل معنوی اسناد از لحاظ مادی همیشه از یک قلب حقیقت تشکیل می‌گردد که این قلب حقیقت همیشه یک روشن نیست. در ماده ۱-۴۴۱ جعل را به‌طور کلی تعریف نموده است که «شامل جعل مادی و معنوی هر دو می‌شود و در پایان این ماده هم مجازات جعل را ذکر نموده است.» برخلاف قانون ما که مصادیق و راه

2- Frauduleuse

1- Art. 441-1: Consistue unfaux toute altération frauduleuse de la vérité

ماده ۴-۴۴۱ قانون کیفری برای جعل نوشتاری عمومی که به وسیله سردفتر در ارتباط با اعمال وظایفش ارتکاب یافته باشد، مجازات ۱۵ سال حبس جنایی و مبلغ ۲۲۵/۰۰۰ یورو جریمه تعیین نموده و «جعل ممکن است مادی باشد، مانند جعل امضا در اسناد، نوشته و امضاها و همچنین محل گنجاندن نوشته‌ای در سند و حتی جعل در اشخاص به معنی جانسین کردن شخص دیگری با علم و اطلاع به جای شخص که بایستی در سند مداخله نماید. در جرایم معنوی که همان مجازات را دارد، فساد و مجعولیت بر شکل سند وارد نشده، بلکه بر ماهیت و کیفیت سند وارد است. به عنوان مثال سردفتر به عنوان سند فروش مالی را که مقرر بوده به رهن ببرد، به فروش می‌رساند (تنظیم سند فروش به جای رهن) و یا شرایطی متفاوت با آنچه بین طرفین مقرر شده، در سند وارد نماید، حتی سهل‌انگاری و اهمال‌گری عمدی که نتیجه آن تغییر در ماهیت سند باشد، می‌تواند به عنوان جعل مورد بررسی قرار گیرد» (Gattegno, 1995: 345).

«ماده قانون چک برعکس همان ماده ۴-۴۴۱ قانون مجازات برای جعل در نوشته‌های رسمی و عمومی که به وسیله شخصی غیر از سردفتر ارتکاب یافته باشد، فقط مجازات ده سال زندان و ۱۵۰ هزار یورو جریمه را تعیین نموده است. استفاده از سند مجعول توسط سردفتر مانند خود جرم جعل دارای مجازات ۱۵ سال حبس جنایی و ۲۲۵ هزار یورو جریمه می‌باشد؛ ثانیاً: ماده ۱۰-۴۳۲ قانون مجازات برای سردفتری که اخاذی (رشوه) نموده کیفر زندان تعیین کرده، بدین معنی که سردفتر چیزی را برای حقوق ثبتی هزینه‌های مربوط به سند مطالبه نماید که مستحق آن نبوده است، ولی اگر سردفتر برای دریافت حق الزحمه خود مبلغی زیادتیر از آنچه مستحق بوده، مطالبه نماید، این امر فقط موجب مجازات انضباطی خواهد بود نه کیفری؛ ثالثاً: ماده ۵-۴۳۲ قانون مجازات برای جرایم تقلب عمدی، حذف عنوان و یا برگردان عنوان که به وسیله سردفتر ارتکاب یافته باشد، ده سال زندان و ۱۵۰ هزار یورو جریمه تعیین کرده، در حالی که ارتکاب این اعمال توسط اشخاص غیر سردفتر فقط مستوجب ۳ سال حبس و ۴۵ هزار یورو جریمه می‌باشد» (Veron, 2017: 297). به موجب ماده ۱۶-۴۳۲ قانون مجازات اگر سردفتر به عنوان امانتدار، مال مورد امانت را به

حقیقت باید به صورت متقابلانه باشد و در غیر این صورت عمل در زیرمجموعه عنوان جعل معنوی قرار نمی‌گیرد و بالتبع قابل مجازات هم نمی‌باشد» (Gattegno, 1995: 345). «اگر سردفتری بدون اطلاع از باطل بودن یک سند، آن را ثبت کند و هیچ آگاهی نسبت به این موضوع نداشته باشد، نمی‌توان گفت که مرتکب جعل معنوی شده است و به این خاطر آن را مورد بازخواست قرار داده، زیرا عمد که یکی از ارکان جرم جعل معنوی می‌باشد، در اینجا وجود ندارد و ارکان جرم جعل معنوی تکمیل نمی‌باشند. در حقوق جزا در هر جرمی باید عناصر کاملاً وجود داشته باشند تا بتوان فرد را مجازات کرد و اگر رکنی از ارکان جرم مورد تردید قرار گیرد و موجود نباشد، نمی‌توان فرد را مجازات کرد. علت این موضوع هم عمدی بودن جرم جعل معنوی است و مثل قاعده‌ای می‌باشد که بیان می‌کند بزهکاری در صورتی که هدف مشروع و قانونی باشد و همچنین درجایی که نیت و قصد وجود نداشته باشد، ثابت نمی‌شود و باید فرد را تبرئه کرد» (Vouin, 1999: 417).

«در جرایم عمدی که رکن روانی آن قصد مجرمانه می‌باشد، باید این قصد احراز گردد، به نظر بتوان موضوع را مضمول عنوان مجرمانه قرار داد و مبادرت به مجازات مجرم نمود. در حالت جعل معنوی عنصر معنوی دربردارنده قصد و نیت انجام عمل جعل می‌باشد و راه‌های اجرا و انجام جعل با حسن نیت منافات دارد، یعنی فرد عمل مادی جعل را به طور متقابلانه انجام می‌دهد و عنصر معنوی در این جعل عبارتست از قصد انجام عمل جعل در جعل معنوی، عنصر معنوی شامل این است که جاعل قصد و نیت تغییر دادن محتوا را دارد یا این که می‌خواهد سند تنظیم شده برخلاف خواست طرفین باشد» (Gattegno, 1995: 345). به نظر می‌رسد این نظر باتوجه به این باشد که در جعل مادی یک عمل مادی صورت می‌گیرد که آثاری برجای دارد و فرد خواهان تغییر امضا و یا تاریخ سند می‌باشد.

۳-۲- مجازات

در این قسمت به بررسی مجازات جعل جرم از سوی سردفتر در حقوق فرانسه پرداخته می‌شود.

۳-۲-۱- مجازات‌های اصلی جرم جعل

رویه قضایی حاکم بر محاکم فرانسه است. بنابراین شغل مرتکب جعل، می‌تواند موجب تشدید مجازات برای سردفتر باشد. تحریف حقیقت توسط فرد امین با اختیارات عمومی (مأمور عمومی) دارای مجازات شدیدتری نسبت به دیگرش روندان است؛ شدت مجازات، تأدیبی یا جنایی، باتوجه به مأموریت دولتی که سردفتران حائز آن بوده و نیز نوع فعالیتی را که در خدمت عمومی (کار در اداره دولتی) دارند، درخصوص آن اعمال می‌گردد. مقایسه مواد قانونی ۱-۴۴۱ و ۴-۴۴۱ قانون کیفری به‌روشنی تبیین‌کننده تفاوت جوهری مجازات جعل باتوجه به فرد مرتکب، در این که سردفتر باشد یا شخص عادی که عهده‌دار هیچ‌گونه وظیفه خدمت عمومی نیست، است. در واقع، مجازات تأدیبی شخص عادی به خاطر ارتکاب جعل، تحمل ۳ سال حبس ساده و پرداخت جزای نقدی بالغ بر ۴۵/۰۰۰ یورو می‌باشد. (ق.ک ماده ۴-۴۴۱) جعل در یک سند عمومی یا رسمی که توسط سردفتر ارتکاب می‌یابد، سزاوار تحمل ۱۰ سال حبس ساده و پرداخت جزای نقدی ۱۵۰/۰۰۰ یورو است و چنانچه این جعل، توسط سردفتر، در حین انجام وظایفش، رخ دهد، مجازاتی برابر با ۱۵ سال حبس جنایی و پرداخت جریمه نقدی ۲۲۵/۰۰۰ یورو را به‌دنبال خواهد داشت» (Yaigre, 2012: 101).

نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد در حقوق ایران دو نوع جرم برای سردفتر اسناد رسمی جرم‌انگاری شده است: جرم مادی و جرم معنوی. مصادیق خاص جعل سردفتر نیز به‌موجب ماده ۱۰۰ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰ تعیین شده است. از میان شقوق هفت‌گانه مندرج در ماده ۱۰۰ قانون ثبت تنها شق پنجم ماده مزبور از مصادیق جعل مادی به‌شمار می‌رود. مطابق شق پنجم، تمام یا قسمتی از دفاتر ثبت را معدوم یا مکتوم کند یا ورقی از آن دفاتر را بکشد یا به‌وسایل متقلبانه دیگر ثبت سندی را از اعتبار و استفاده بیندازد. شقوق شش‌گانه دیگر از مصادیق جعل معنوی در اسناد رسمی محسوب می‌گردند. این شقوق عبارتند از: ۱- اسناد مجعوله یا مزوره را ثبت کند؛ ۲- سندی را بدون حضور اشخاصی که مطابق قانون باید حضور داشته باشند ثبت نماید؛ ۳- سندی را به اسم کسانی که آن معامله را نکرده‌اند، ثبت کند؛ ۴- تاریخ سند یا ثبت سندی را مقدم یا مؤخر در دفتر ثبت

واسطه سهل‌انگاری گم کند، به یک‌سال زندان و ۱۵ هزار یورو و جریمه محکوم می‌شود. در رویکرد تقنینی جدید مقنن، مجازات جعل در سند عمومی یا رسمی به حبس تأدیبی (جنحه ای) تغییر یافته است. در واقع، ماده ۴-۴۴۱ قوانین کیفری در این خصوص مقرر می‌دارد: «جعل کارمند در یک سند عادی یا رسمی یا در ثبت و ضبط مورد درخواست دولت، مستوجب ۱۰ سال حبس ساده و ۱۵۰ هزار یورو جزای نقدی است. استفاده از سند معمول نیز دارای کیفرهای پیش‌گفته است. هنگامی که بزه جعل یا استفاده از سند معمول از جانب یک شخص امانت‌دار با قدرت عمومی یا متصدی یک مأموریت به خدمت عمومی در اجرای وظایف یا به مناسبت مأموریتش، ارتکاب یابد، کیفرها تا ۱۵ سال حبس جنایی و تا ۲۲۵ هزار یورو جزای نقدی افزایش پیدا می‌کند.»

۳-۲-۲- مجازات تکمیلی جرم جعل و کیفیات مشدده در مجازات

به غیر از مجازات‌های سنگین جعل که در بالا بدان اشاره شد، مجازات‌های تکمیلی نیز به موجب مواد ۲-۴۱۰ و ۱-۴۱۰ از جانب قانون‌گذار پیش‌بینی شده است. مجازات‌های ذیل متوجه اشخاص حقیقی بزه‌کار در جنایات و جنحه‌ها که در این باب حضور دارند، می‌باشد: «۱- ممنوعیت از حقوق مدنی، اجتماعی، خانوادگی برحسب موارد پیش‌بینی‌شده در ماده ۲۶-۱۳۱ که این حقوق عبارت‌اند از: - حق رأی‌دادن، - حق انتخاب‌شدن، - حق تصدی مشاغل قضایی یا کارشناسی دادگاه، وکالت یا معاضدت یکی از اطراف دعوا در دادگاه، - حق شهادت؛ ۲- ممنوعیت تصدی شغل عمومی یا فعالیت با ماهیت حرفه‌ای یا اجتماعی طبق موارد قیدشده در ماده ۲۷-۱۳۱...» (Domat, 2023: 207).

«مجازات‌های تکمیلی که در قبل به آن اشاره گردید، در واقع، موجب عدم اجرای مجازات‌های شدید انضباطی نیست. آنگاه که حکم قطعی دربردارنده ممنوعیت انجام شغل دولتی در حق سردفتر محکوم شده، به اجرا درمی‌آید، به‌تبع حکم قطعی اجرا شده، تمام فعالیت‌های شغلی وی نیز غیرممکن شده و این ممنوعیت خودبه‌خود موجب عزل وی از آن شغل می‌گردد. درحقیقت ارتکاب این بزه از سوی سردفتر علاوه بر مجازات‌های مقرر قانونی، موجب تعقیب و محکومیت انتظامی وی خواهد شد. آن‌چه که باعث صدور حکم شدیدتر برای ارتکاب بزه جعل توسط سردفتر نسبت به افراد عادی می‌شود، نشأت‌گرفته از

یعنی قصد انجام عمل مادی جعل معنوی را برای احراز آن کافی می‌دانند. به‌عنوان پیشنهاد می‌توان مطرح نمود که قانون‌گذار ایران باید مباحث مطروحه در قسمت جعل را تغییر دهد. یکی از اصول‌های قانون‌نویسی این است که قانون کلی و عام باشد و قضات آن را بر موارد جزئی و موردی تطبیق دهند. با این وجود قانون‌گذار ایران در مبحث جعل به‌ذکر مصادیق و موارد پرداخته است و آن رسالات خود را فراموش کرده است. مبحث جعل را باید بدین طریق اصلاح نمود که در ماده ۵۲۳ قانون مجازات اسلامی تعریف جامع و مانعی از جرم جعل نمود که شامل هر دو نوع جعل شود، با این مضمون که: «جعل قلب متقلبانه حقیقت در یک نوشته یا سند یا هر وسیله بیان فکر دیگر می‌باشد که طبیعتاً قابل اضرار به غیر باشد، به راهی که صورت بگیرد، مجازات جرم جعل ۲ سال می‌باشد.» ذکر این تعریف با این مضمون چند مزیت دارد: ۱- قانون‌گذار را از ذکر مصادیق و گنجاندن آن‌ها در موارد مختلف بی‌نیاز می‌نماید؛ ۲- جعل به هر راهی که صورت گیرد، در زیر چتر این ماده قرار می‌گیرد و باتوجه به این ماده می‌توان فرد را مجازات نمود، بزهکاران نمی‌تواند با کشف راه‌های جدید که در قانون نیست از زیر بار مجازات فرار کنند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

کند؛ ۵- اسناد انتقالی را با علم به عدم مالکیت انتقال‌دهنده ثبت کند؛ ۶- سندی را که به‌طور وضوح سندیت نداشته و یا از سندیت افتاده، ثبت کند. در جعل سند باید توجه داشت که قلب حقیقت، وقتی جعل می‌شود که مربوط به حکم سند یا مربوط به اموری باشد که سند یا نوشته، برای اثبات یا نفی آن تنظیم شده است. در مورد وسیله ارتکاب جرم می‌توان خراشیدن، تراشیدن، الحاق، قلم‌بردن، محو، اثبات، سیاه‌کردن، الصاق، به‌کاربردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن در سند یا نوشته‌ای که قابلیت اضرار دارد، اعم از این که مهر نزد او امانت باشد یا به طرق غیرقانونی تحصیل کرده باشد، تقدیم یا تأخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی آن که ممکن است از مصادیق جعل مادی یا معنوی باشد را نام برد. جعل معنوی غالباً در اسناد رسمی سند به مفهوم خاص واقع می‌شود، اما جعل مادی در هر نوشته‌ای اعم از سند رسمی و غیر آن به‌طور معمول ممکن است وقوع یابد. در حقوق فرانسه همچون حقوق ایران جرم جعل معنوی از جرایم عمدی می‌باشد و نیاز به رکن روانی دارد که تنها با احراز این رکن می‌باشد که می‌توان گفت جرم جعل ثابت شده است و فرد مرتکب جرم جعل معنوی شده است، البته احراز رکن روانی در جعل مادی به‌علت آثار مادی که این نوع جعل برجای می‌گذارد و حالت این نوع جعل، مشکل نمی‌باشد، ولی در جعل معنوی که هیچ اثری وجود ندارد و کارشناس هم نمی‌توان اثری بیابد، احراز رکن روانی و قصد و نیت مجرمانه بسیار مشکل می‌باشد و قاضی باید از روی، قرائن، شرایط، حالات و اظهارات طرفین به طور دقیق و ظریف نیت و قصد فرد جاعل را احراز نماید و مبادرت به صدور حکم نماید. تنها تفاوت بین حقوق فرانسه و ایران در مورد این رکن این است که در حقوق فرانسه برای احراز رکن معنوی جرم جعل معنوی، اسناد صرف سوءنیت عام، یعنی خواست انجام عمل مادی جعل معنوی کافی می‌باشد، ولی در حقوق ایران علاوه بر سوءنیت عام چون این جرم، از جمله جرایم مقید می‌باشد، به سوءنیت خاص نیز نیاز دارد که همان قصد اضرار به دیگری می‌باشد. فرد جاعل باید قصد اضرار و ضرررساندن به دیگری را داشته باشد تا بتوان او را مؤاخذه کرد. درحقیقت در حقوق فرانسه در مورد رکن روانی جرم جعل معنوی قائل به تفکیک نمی‌باشند و قصد مجرمانه،

- آدابی، حمیدرضا (۱۴۰۲). *مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی در حقوق ایران و فرانسه*. چاپ سوم، تهران: انتشارات جنگل / جاودانه.
- پیمانی، ضیاءالدین (۱۳۹۲). *جرایم علیه امنیت و اشخاص*. چاپ نهم، تهران: انتشارات میزان.
- توسلی، علی (۱۴۰۲). *کیفرهای حمایتی از حقوق ثبت*. چاپ دوم، تهران: نشر دادگستر.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۴۰۳). *ترمینولوژی حقوق*. جلد دوم، چاپ سی‌ونهم، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- جلائیان صالح، یاور (۱۴۰۱). *جعل اسناد در حقوق کیفری ایران*. چاپ اول، تهران: انتشارات سردار امین.
- حمیتی واقف، احمدعلی (۱۳۹۶). *حقوق ثبت*. چاپ پنجم، تهران: نشر حقوق دان.
- سلیمان‌پور، محمد (۱۳۹۶). *جعل اسناد در حقوق ایران و از نظر حقوق تطبیقی*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۹۸). *کتاب حقوق جزای عمومی براساس قانون جدید*. جلد دوم، چاپ ششم، تهران: مؤسسه انتشاراتی ویستار.
- عباسی داکانی، خسرو (۱۳۹۷). *حقوق ثبت اسناد*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۸). *جرایم علیه امنیت و اشخاص*. چاپ بیست‌وچهارم، تهران: انتشارات میزان.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۹۹). *حقوق جزای عمومی ایران*. چاپ بیست‌وچهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج (۱۴۰۰). *محشای قانون مجازات اسلامی*. چاپ بیست‌وششم، تهران: انتشارات مجد.
- میرکمالی، علیرضا (۱۳۹۳). *تحلیل جرم جعل مفادی (آموزه‌های حقوق کیفری)*. چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۴۰۳). *حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص)*. جلد اول، چاپ سی‌ودوم، تهران: انتشارات میزان.
- نوربها، رضا (۱۳۹۶). *زمینه حقوق جزای عمومی*. چاپ هشتم، تهران: نشر دادآفرین.
- نوری، محمدعلی (۱۳۸۰). *قانون مدنی فرانسه*. چاپ سوم، تهران: انتشارات گنج دانش.
- هیأت عمومی دیوانعالی کشور (۱۳۸۴). *موازین قضایی*. جلد دوم، چاپ چهارم، تهران: انتشارات حسینیه ارشاد.

ب. منابع انگلیسی

- Després, I (2008). *Nouveau Code de Procédure Civile*. Paris: Publications Dalloz Librairie.
- Domat, J (2023). *Civil Laws in Their Natural Order*. 6th ed., Paris: Publications Dalloz Librairie.
- Gattegno, P (1995). *Droit Pénal Spécial*, 3th ed., Paris: Publications Dalloz Librairie.
- Laruier, J (2024). *Droit Pénal Spécial*. 12th ed., Paris: Publications Dalloz Librairie.
- Veron, M (2017). *Droit Pénal Spécial*. 9th ed., Paris: Publications Dalloz Librairie.
- Vouin, R (1999). *Droit Pénal Spécial, Infractions des et Contre les Particuliers Broché*. 9th ed., Paris: Publications Dalloz Librairie.
- Yaigre, J (2012). *Droit Professionnel Notarial*. 7th ed., Paris: Publications Dalloz Librairie.